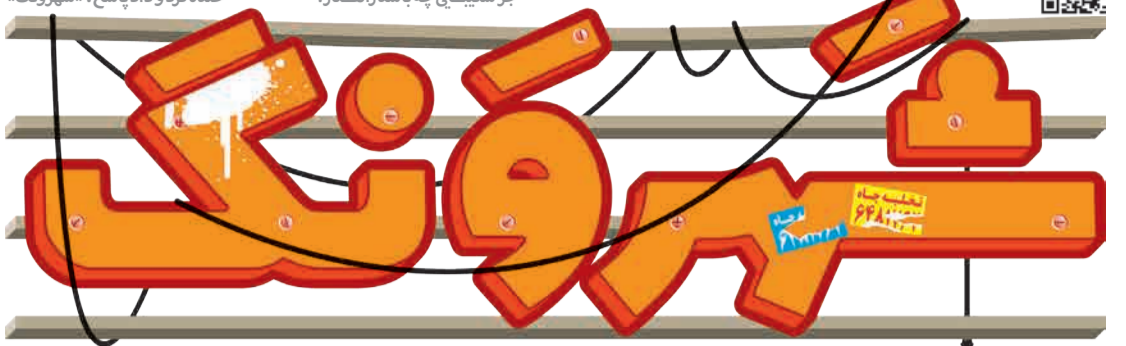


شماره پانصد و سی و دوم

پیراگفتم: به ماشد عرصه تنگ  
جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

توی دنیای پراز اندوه و جنگ  
خنده کرد و داد پاسخ: «شهروند»



### عزت الله انتظامی از بین ما رفت

# باعزت بمیریم



#### عزت الله انتظامی:

دلش اینه که  
بازی زیاد کردم  
ولی کسی رو  
بازی ندادم!

#### محسن رضایی:

کاش می فهمیدم دلیل  
محبوبیت آقای انتظامی  
چی بود؛ برای انتخابات  
بعدی لازم میشه!

- ◀ سوت آغاز بازگرددن خاطرات مشترک با استاد انتظامی زده شد
- ◀ هر ایرانی یک عکس دوفرهه با مر حوم انتظامی
- ◀ یک کار تونیست: یه ایده بکر، استاد انتظامی رو بکشم با پروا برها
- ◀ مدیر مسئول: یاد تون باشه حتما تیترو بز نید «عزت سینمای ایران رفت!»
- ◀ یک سلبریتی بیست ساله: یادش بخیر، چه خاطراتی با عزت داشتم.
- ◀ گوگل: آقادیگه آقای انتظامی رو سرچ نکنید انصافا
- ◀ یک سیاسی باز نشسته: یادمه یه بار بهشون گفتم بیاید برسونم تون بر دم شون وزارت کشور
- ◀ اینستاگرام: وای آپلودم! \*وزیر ارشاد: وجدان مون راحته، هم تالار به نام شون ساختم هم سر دیس
- ◀ #خوشنام\_بمیریم #عزت\_از\_خداست #شهروند

### گمشدگان

#### چالش فرزندان کجاست ۲



شهرام شهیدی  
طنز نویس  
shahraam\_shahidi@yahoo.com

اول از همه اجازه بدهید بایستم، کلاه از سر بردارم و در سوگ آقای بازبگر، عزت سینمای ایران، عزت الله خان انتظامی یک دقیقه سکوت کنم.

خب بعد از این یک دقیقه خدمتتان عرض کنم نمی شود که آدم از عزت الله انتظامی نام ببرد و از ثمراتش چیزی نگوید. آن خدایبامر یک سری ثمره فرهنگی دارد. مثل نقش گاو، مش حسن در فیلم گاو، یا خان مظفر در سریال هزارستان. از طرفی اگر او می خواستند به چالش فرزندان کجاست بیوند، مثل بقیه لازم نبود صغری کبری کند و سناریو جور کند و نقش بازی کند. خیلی شیک و مجلسی ثمره دیگرش را رومی کرد. مجید انتظامی که خیلی هم موسیقیدان خوبی است.

باز یاد این چالش فرزندان کجاست انداختید. حال غربی دارم. شمس لنگرودی عزیز شعری دارد که می گوید: «باز گشته ام از سفر/ اسفر از من باز نمی گردد». حالا شده حکایت ما و این چالش فرزندان کجاست. ما از این چالش برگشته ایم، اما مسئولان و فرزندانشان از این چالش بر نمی گردند. برگشته اند به همان خصوصیات اصل ایرانی ها که وقتی کسی از بدبختی هایش می گوید تا در مقام پاسخ اثبات نکنند خودشان از روی بدبختی تر و بیچاره ترند و لکن ماجرا نمی شوند. حالا هم یکی اشتباه کرد این چالش #فرزندان\_کجاست راه انداخت. تا این مقامات و مسئولان اثبات نکنند از فرزندان آنها گرفتار تر و آس و پاس تر نیست ول کن نیستند این طور که پیش می رود هیچ بعید نیست بروند بیچه هایشان را بخوابانند در کمپ های ترک اعتیاد، یا گور خواب و کارتن خوابشان کنند که با ارایه سند و مدرک در قالب یک رپورتاژ آگهی به چالش فرزندان کجاست پاسخ دهند.

اما از وقتی این چالش راه افتاده، اوضاع کار در کشور زبرور شده، یعنی درست تر بگویم آمار کار. تا امروز معلوم شده برخلاف آمارهای ما تعداد پنج الی شش هزار نفر از آمار شاغلان کشور کم شده، چون با اینکه مافکر می کردیم فرزندان مقامات دارای شغل و کاسی هستند، معلوم شد هیچ مقام مسئولی فرزندان شاغل ندارد. خب این از آمار قبلی کسر می شود و طبیعتا بر تعداد بیکاران افزوده خواهد شد. اما نگران نباشید از آنجایی که مسئولان با این اظهاراتشان سربه سر ما گذاشته اند، پس بالاستند به همین روش حدود بیست سی میلیون نفر بر تعداد سرکارفتگان رسمی کشور اضافه می شود. می بینید؟ یک چالش الکی و مشکوک توانست با درایت و تیزبینی مسئولان از تهدید به فرصت تبدیل شود و بحران بیکاری در ایران را برای همیشه حل کند برود بی کارش. یعنی بیکاری فرزندان مسئولان هم برای ما نعمت است و باعث کاهش آمار بیکاری می شود.

نمی دانم چرا یاد خاطره بی ربطی افتادم. در کار گاهی ساختمانی کار می کردم. همکاری داشتیم که به خاطر زن خویش رفته بود مدرک مهندسی گرفته بود و به همین خاطر علاقه ای هم به کار نداشت و خیلی هم بر کار مسلط نبود و برای همین مدام دسته گل به اب می داد. برای همین مدیر پروژه تصمیم گرفت چون نمی توانست اخراجش کند بفرستندش خانه اما حقوقش را بدهد و استدلال کرد این کار ضررش خیلی کمتر است. چرا یاد این خاطره افتادم؟ شاید بیکاری و سر کار نرفتن فرزندان برخی مقامات این را یادمانداخت.

نازنین جمشیدی | کار تونیست | nana.jamshidi@gmail.com



### تماشاخانه



شهروند

### اول هفته ها با مومیایی

**شغل جدید | مومیایی** | آقا من بدجور بی پول شده ام. چند وقت پیش تو اینه نگاه کردم دیدم نوارهای زیر بغلم سوراخ شده. رفتم نوار بخرم دیدم قیمت ها از دفعه پیش که رفته بودم پاساژگردی، پنج برابر شده. شهروند هم کلا پول ما را نمی دهد. این همه زیر تیرها برایشان حرف زدم و جملات من را برداشتند این طرف و آن طرف چاپ کردند و لایک و کامنت هایشان را بالا بردند؛ حالا پولش را هم نمی دهند. یک بار رفتم گفتند: «شماره حساب بانک فلان بیار.»  
شماره حساب بردم، گفتند: «این ماه را با ماه بعد می دهیم.» ماه بعد شد، «هفته بعد می ریزیم.» و هنوز هیچی نریختند. خلاصه اینکه دنبال شغل دوم می گردم.  
شهاب نبوی گفت: «بیا تو اژانس ما»، ولی مشکل بزرگم این است که ماشین ندارم. البته رانندگی هم بلد نیستم. به نظر شما چه شغلی به دردم می خورد؟ کاش یک شغلی باشد که از این شلاق هم استفاده کنم. عصای دستم است.



### ماشین نویس | احمد رضا کاظمی



در حاشیه چالش فرزندان کجاست ۱؟

شهروند